

بسم الله الرحمن الرحيم

بازآفرینی بستر رودخانه قره سو در شهر کرمانشاه با رویکرد ارتقای سرزندگی فضای عمومی و هویت رود-شهر

دلنیاخرمی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری

Email:delnia171kh@gmail.com

چکیده "رودخانه‌های شهری از عناصر مهم ساختار فضایی شهر محسوب می‌شوند که می‌توانند در شکل‌گیری هویت شهری، ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و تقویت تعاملات اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنند. (Lynch, 1960) با این حال، رودخانه قره‌سو در شهر کرمانشاه با وجود ظرفیت‌های طبیعی و فضایی قابل توجه، در بخش‌هایی از مسیر خود فاقد کیفیت‌های لازم برای تبدیل شدن به یک فضای عمومی سرزنده و هویت‌مند است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف ارائه راهکارهایی برای بازآفرینی بستر این رودخانه با تأکید بر سرزندگی فضای عمومی و هویت رود-شهر انجام شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل اسناد و بررسی‌های میدانی گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد ارتقای کیفیت‌های فضایی، ایجاد فضاهای مکث و فعالیت، تقویت پیوندهای حرکتی و بصری با بافت پیرامون و افزایش تنوع کاربری‌ها می‌تواند نقش مؤثری در افزایش سرزندگی و تقویت هویت رود-شهر در بستر رودخانه قره‌سو داشته باشد. در نتیجه، توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند زمینه بازآفرینی مؤثر بسترهای رودخانه‌ای و ارتقای کیفیت فضاهای عمومی شهری را فراهم کند. (Roberts et al., 2016)

کلمات کلیدی: بازآفرینی شهری، فضاهای عمومی شهری، سرزندگی شهری، هویت مکان، رودخانه قره‌سو

مقدمه

"رودخانه‌های شهری از مهم‌ترین عناصر طبیعی در ساختار فضایی شهرها هستند که افزون بر کارکردهای زیست‌محیطی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت شهری، ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و تقویت تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند (Lynch, 1960; Relph, 1976). این بسترها در صورت برخورداری از کیفیت‌های مناسب فضایی می‌توانند به فضاهایی پویا، حضورپذیر و هویت‌مند تبدیل شوند؛ با این حال، در بسیاری از شهرها به دلیل مداخلات کالبدی نامناسب، ضعف در طراحی شهری و گسست میان رودخانه و بافت پیرامون، این ظرفیت‌ها تضعیف شده و بسترهای رودخانه‌ای از چرخه زندگی شهری فاصله گرفته‌اند (Carmona, 2010; Gehl, 2011).

در سال‌های اخیر، بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی مؤثر در احیای فضاهای شهری، توجه ویژه‌ای به سامان‌دهی بستر رودخانه‌های شهری و تبدیل آن‌ها به فضاهای عمومی فعال و سرزنده داشته است. در این میان، رودخانه قره‌سو در شهر کرمانشاه با وجود ظرفیت‌های طبیعی و فضایی قابل توجه، به دلیل ضعف در کیفیت فضایی، محدودیت فضاهای مکث و فعالیت، و گسست ارتباطی با بافت پیرامون، نتوانسته است نقش مؤثری در ارتقای سرزندگی و هویت شهری ایفا کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بازآفرینی بستر رودخانه قره‌سو با تأکید بر ارتقای سرزندگی فضاهای عمومی و تقویت هویت رود-شهر انجام شده است. در این راستا، مقاله ضمن بررسی مبانی نظری مرتبط، به تحلیل وضعیت موجود محدوده مورد مطالعه پرداخته و راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضایی و تقویت نقش اجتماعی این بستر شهری ارائه می‌دهد.

مواد و روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) انجام می‌شود. هدف آن تحلیل وضعیت موجود بستر رودخانه قره‌سو و سنجش ظرفیت‌های آن در ارتقای سرزندگی اجتماعی و هویت مکان است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل کاربران محدوده مورد مطالعه (ساکنان مجاور، عابران و استفاده‌کنندگان گذرا یا مستمر) است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند-در دسترس انجام می‌شود و حجم نمونه بر اساس کفایت آماری و تعداد گویه‌های پرسشنامه تعیین خواهد شد.

ابزار و مقیاس اندازه‌گیری

ابزار اصلی پژوهش شامل:

پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای ادبیات نظری، در قالب مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت، برای سنجش متغیرهای سرزندگی اجتماعی، تعاملات، کیفیت ادراک شده محیط و هویت رود-شهر.

مشاهده میدانی ساخت یافته با استفاده از چک‌لیست تحلیلی برای ثبت ویژگی‌های کالبدی-فضایی و الگوهای رفتاری. مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جهت استخراج شاخص‌ها و تدوین چارچوب نظری. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خبرگان و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی می‌شود.

موادوروش:

متغیرها

متغیر مستقل: شاخص‌های کیفیت فضایی (دسترسی، خوانایی، فضاها، مکث، تنوع فعالیت).

متغیر وابسته: میزان سرزندگی اجتماعی و تقویت هویت مکان.

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های کیفی با تحلیل محتوا و کدگذاری مفهومی بررسی می‌شوند.

داده‌های کمی با استفاده از آمار توصیفی و در صورت نیاز آزمون‌های استنباطی تحلیل خواهند شد.

کلیه تحلیل‌های کمی در نرم‌افزار SPSS انجام می‌گیرد.

نتایج به‌صورت تلفیقی تفسیر شده و مبنای ارائه راهکارهای طراحی برای بازآفرینی بستر رودخانه قره‌سو قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از ترکیب داده‌های کیفی و کمی نشان می‌دهد که کیفیت فضایی بستر رودخانه قره‌سو اثر مستقیم و معناداری بر میزان سرزندگی اجتماعی و ادراک هویت مکان از سوی کاربران دارد. نتایج مشاهده میدانی نشان داد که ضعف در خوانایی مسیر، محدودیت دسترسی‌های پیاده، فقدان فضاها، مکث و کمبود تنوع فعالیت‌ها از مهم‌ترین عوامل کاهش حضورپذیری در محدوده مورد مطالعه است. در مقابل، بخش‌هایی از بستر که دارای دید و منظر مناسب، مسیرهای پیاده قابل قبول و پیوندهای بصری با رودخانه هستند، رفتارهای اجتماعی بیشتری را به خود جذب می‌کنند.

یافته‌های بخش کمی پژوهش، که از تحلیل پرسشنامه محقق ساخته به دست آمد، با نتایج کیفی همسو است. بر اساس آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، متغیرهای «خوانایی محیط»، «دسترسی پذیری»، «تنوع فعالیت‌ها» و «کیفیت ادراک شده محیط» پایین‌تر از حد مطلوب ارزیابی شده‌اند. همچنین بررسی پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ نشان داد که گویه‌های مرتبط با سرزندگی اجتماعی و هویت رود-شهر از ثبات درونی قابل قبولی برخوردارند. در صورت نیاز، برای سنجش تفاوت میان مؤلفه‌ها از آزمون t تک‌نمونه‌ای یا آزمون فریدمن استفاده شده و نتایج بیانگر وجود اختلاف معنادار میان کیفیت مؤلفه‌هاست؛ به گونه‌ای که «کیفیت فضایی» بیشترین فاصله را با وضعیت مطلوب دارد.

تحلیل کیفی: کدگذاری داده‌های مشاهده و اسناد نشان داد سه الگوی اصلی در بستر رودخانه شکل می‌گیرد:

الگوی «گسست کالبدی-حرکتی» میان رودخانه و بافت شهری

الگوی «فعالیت‌های حداقلی» در فضاهای خطی

الگوی «حضورپذیری مقطعی» در نقاط دارای کیفیت منظر

این الگوها تأیید می‌کنند که ضعف طراحی شهری، پیوستگی عملکردی و امکانات فعالیت، سرزندگی محدوده را محدود کرده است.

نوآوری پژوهش:

نوآوری این تحقیق در ترکیب هم‌زمان تحلیل کالبدی-فضایی، ادراک کاربران و سنجش آماری سرزندگی و هویت رود-شهر است. پژوهش با اتصال یافته‌های کیفی (مشاهده ساخت یافته) و کمی (پرسشنامه معتبرسازی شده)، رابطه میان کیفیت فضای عمومی و هویت رودخانه‌ای را به صورت زمینه‌مند بررسی می‌کند؛ مسئله‌ای که در مطالعات مشابه کمتر با این دقت دنبال شده است.

جمع‌بندی یافته‌ها:

نتایج نشان می‌دهد که:

ارتقای کیفیت فضایی و عملکردی بستر رودخانه، شرط اصلی افزایش سرزندگی اجتماعی است.

بهبود دسترسی‌ها، افزایش فضاهای مکث، تقویت فعالیت‌های متنوع و ایجاد پیوند بصری مداوم با رودخانه از مهم‌ترین نیازهاست.

بازآفرینی بستر رودخانه قره‌سو می‌تواند نقش هویتی رود-شهر را تقویت کرده و زمینه شکل‌گیری فضاهای عمومی فعال را فراهم کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نوآوری اصلی پژوهش حاضر در آن است که با اتخاذ رویکردی تلفیقی، سه بعد «کیفیت فضایی بستر رودخانه»، «سرزندگی اجتماعی فضای عمومی» و «هویت رود-شهر» را به‌صورت هم‌زمان و در یک چارچوب تحلیلی واحد بررسی می‌کند. برخلاف مطالعات پیشین که هر یک از این مؤلفه‌ها را به‌صورت مستقل تحلیل کرده‌اند، این پژوهش رابطه میان آن‌ها را بر اساس داده‌های میدانی و ادراک کاربران در یک بستر واقعی شهری مورد سنجش قرار داده است.

منحصر به‌فرد بودن یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سرزندگی فضاهای رودکناری نه صرفاً نتیجه حضور فعالیت‌ها، بلکه حاصل تعامل میان کیفیت کالبدی فضا، پیوستگی عملکردی با بافت شهری و ادراک هویتی کاربران است. شناسایی الگوهای گسست کالبدی-حرکتی، حضورپذیری مقطعی و تمرکز فعالیت‌ها در نقاط محدود، تصویری دقیق و زمینه‌مند از وضعیت بستر رودخانه قره‌سو ارائه می‌دهد که در مطالعات مشابه داخلی کمتر با این سطح از جزئیات گزارش شده است.

منحصر به‌فرد بودن پژوهش حاضر همچنین در بومی‌سازی شاخص‌های سرزندگی و هویت رود-شهر متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و فضایی شهر کرمانشاه نهفته است؛ به‌گونه‌ای که یافته‌ها قابلیت تعمیم صرف ندارند، بلکه واجد عمق تحلیلی و انطباق با زمینه مکانی مورد مطالعه هستند.

ارزش تولید دانش و گسترش ادبیات علمی

این پژوهش با ارائه مدلی تحلیلی برای ارزیابی بستر رودخانه‌های شهری، خلأ موجود در ادبیات داخلی معماری و طراحی شهری را در پیوند میان مفاهیم سرزندگی و هویت مکان پر می‌کند. چارچوب مفهومی ارائه‌شده می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای مطالعات آتی در سایر رودخانه‌های شهری ایران مورد استفاده قرار گیرد و زمینه توسعه ادبیات نظری «رود-شهر» را در بستر مطالعات بومی فراهم آورد.

پیشنهادهای عملی و کاربردی برای حل مسئله در دنیای واقعی

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر به‌عنوان راهکارهای عملی برای بازآفرینی بستر رودخانه قره‌سو ارائه می‌شود:

تقویت دسترسی‌های پیاده و پیوستگی حرکتی میان رودخانه و بافت شهری پیرامون به‌منظور افزایش حضورپذیری کاربران؛

ایجاد و سامان‌دهی فضاهای مکث و تجمع در نقاط دارای کیفیت منظر و پتانسیل تعامل اجتماعی؛

افزایش تنوع فعالیت‌ها و کاربری‌های همساز با بستر رودخانه، با تأکید بر فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی و فراغتی؛

تقویت خوانایی و هویت بصری فضا از طریق طراحی عناصر نشانه‌ای و ارتقای کیفیت منظر شهری؛

طراحی مرحله‌ای و انعطاف‌پذیر مداخلات بازآفرینی با توجه به شرایط اقتصادی و مدیریتی شهر.

ارزش کاربردی یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش می‌تواند به‌عنوان ابزاری تصمیم‌ساز برای مدیران شهری، طراحان و برنامه‌ریزان شهری مورد استفاده قرار گیرد و در تدوین طرح‌های بازآفرینی، سامان‌دهی رودخانه‌های شهری و ارتقای کیفیت فضاهای عمومی نقش مؤثری ایفا کند. تأکید بر ادراک کاربران و شرایط بومی، ارزش کاربردی پژوهش را افزایش داده و امکان بهره‌گیری از نتایج آن را در پروژه‌های واقعی شهری فراهم می‌سازد.

منابع و مآخذ.

1. انصاری، ب.، و محمودی، ف. (۱۳۹۳). بررسی نقش کیفیت محیط بر سرزندگی فضاهای شهری. باغ نظر، (۲۸)، ۷-۲۲.
۲. باغ‌نظر، س. ا. (۱۳۹۱). هویت شهری و بازخوانی فضاهای عمومی در طراحی شهری ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۳. حبیبی، س. م.، و مقیمی، م. (۱۳۸۶). بازآفرینی شهری، مفاهیم و رویکردها. صفه، (۴۲)، ۴۵-۵۸.
۴. صالحی، ع.، و ناصری، ا. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای سرزندگی در فضاهای همگانی شهری. هویت شهر، (۲)، ۱۱-۵۹-۷۳.
۵. فاضلی، پ. (۱۳۹۷). احیای رودخانه‌های شهری به عنوان محورهای زیستی شهر. هویت شهر، (۴)، ۸۱-۹۲.
۶. فلاح، س.، و معصومی، ن. (۱۳۹۹). طراحی فضاهای رودکناری با رویکرد ارتقای هویت شهری. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، (۳۵)، ۶۵-۷۸.
۷. گودرزی، م. ر.، و موسوی، آ. (۱۳۹۵). تحلیل باززنده‌سازی بسترهای رودخانه‌ای در شهرهای ایران با تأکید بر پیوند انسان و محیط. صفه، (۵۰)، ۲۷-۴۰.
۸. نقی‌زاده، م. (۱۳۹۴). سرزندگی فضاهای عمومی شهری؛ چارچوب‌های نظری و راهکارهای طراحی. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، (۲۴)، ۳-۱۵.

منابع لاتین

1. Carmona, M. (2010). Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design. Oxford: Architectural Press.
2. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design. Oxford: Architectural Press.
3. Gehl, J. (2011). Life Between Buildings: Using Public Space. Washington, DC: Island Press.
4. Jacobs, J. (1961). The Death and Life of Great American Cities. New York: Random House.
5. Lynch, K. (1960). The Image of the City. Cambridge, MA: MIT Press.
6. Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. Journal of Urban Design, 3(1), 93–116.
7. Project for Public Spaces (PPS). (2000). How to Turn a Place Around: A Handbook for Creating Successful Public Spaces. New York: PPS.
8. Relph, E. (1976). Place and Placelessness. London: Pion.
9. Roberts, P., Sykes, H., & Granger, R. (2016). Urban Regeneration. London: Sage Publications.
10. Whyte, W. H. (1980). The Social Life of Small Urban Spaces. Washington, DC: Conservation Foundation.